

رئیس سابق کشور،^۲ نشانگر تسلط روزافزون حقوق بشر بر سایر بخش‌های حقوق بین‌الملل است. اصل آزادی دولت‌ها در اعمال حق حاکمیت خود بیش از پیش محدود می‌شود. اصل عدم مداخله در امور داخلی کشورها، مدت‌هاست که مفهوم سابق خود را از دست داده است. اکنون می‌توان تحت عنوان حفظ حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه، در امور داخلی کشورها مداخله و حتی مداخله مسلحانه کرد. هر چند قواعد این مداخله و نحوه آن دارای ابهاماتی است ولی پشتیبانی افکار عمومی جهان از این گونه مداخلات باعث مشروعیت آن می‌شود و اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی قدمی در این راه است. حمایت غالب کشورها از دخالت ناتو در ناحیه کوزوو که از نظر حقوقی یکی از ایالات صربستان و ظاهرأ در حیطه مسائلی داخلی آن کشور است، هشدارهای اکید به روسیه در بحران چین، فرستادن ناظران بین‌المللی برای نظارت بر انتخابات بعضی از کشورها، اعزام هیئت‌های حقیقت‌یاب به برخی از سرزمین‌ها در هنگام بروز حوادث غیرمترقبه، برخورداری نسبی آمریکا از حمایت جهانی در تجاوز به عراق و محاصره اقتصادی این کشور به بهانه سرنگونی یک دیکتاتور، عدم شناسایی جهانی طالبان به عنوان یک دولت مستقل به دلیل عدم رعایت ضوابط جهانی حقوق بشر با وجودی که طبق ضوابط حقوق بین‌الملل کلاسیک شرایط شناسایی رسمی را داراست، همگی نشانگر تحوّل قریب‌الوقوع در حقوق در سده بیست و یکم است و آن سیطره‌رو به گسترش و همه‌جانبه حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه در حقوق بین‌الملل و سیاست خارجی و نیز در حقوق و سیاست داخلی کشورهای جهان است.

الحاق یا عدم الحاق به اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی مستلزم بحث و بررسی دقیق و همه‌جانبه‌ای است که این مقاله می‌کوشد تنها قدمی در این راه بردارد و راه را برای بحث‌های بیشتر برای این تصمیم‌گیری مهم بگشاید. بدیهی است هر کشور باید مصالح و منافع ملی خود را در ارزیابی و بررسی قرار دهد. در کنفرانس رم در ۱۹۹۸، نمایندگان آمریکا، چین، هند، رژیم اشغالگر قدس، لیبی و عراق به این اساسنامه رأی منفی دادند.^۳ رأی

الحاق یا عدم الحاق به یک معاهده بین‌المللی و تبعات هر کدام، از مهمترین مباحث حقوقی هر کشور است. قاطعانه می‌توان گفت که در بین معاهدات، از نظر مسئولیت اشخاص، اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی مهمترین سندی است که تا به حال کشورها به پذیرش آن دعوت شده‌اند. برای نخستین بار دادگاهی تشکیل می‌شود که به طور دائمی و با اختیارات نسبتاً وسیع، مرتکبین جرایم کشتار جمعی، جرایم ضد بشریت، جرایم جنگی و جرم تجاوز را به مجازات می‌رساند. در صورت وقوع جرایم فوق، دولتی که به این اساسنامه ملحق شده، باید متهم را در هر مقامی که باشد، و خواه از اتباعش باشد یا نباشد، به این دادگاه بین‌المللی تحویل دهد. ماده ۲۷ اساسنامه دیوان صریحاً اعلام می‌دارد که داشتن سمت رسمی ریاست دولت، عضویت در دولت یا مجلس، یا نماینده بودن، به هیچ وجه شخص را از مسئولیت کیفری مبری نمی‌کند. از سوی دیگر، طبق ماده ۱۲۰ همین اساسنامه هیچ‌گونه «حق شرطی» از جانب دولتی که به اساسنامه ملحق می‌شود پذیرفتنی نیست. البته هر عضو می‌تواند (ماده ۱۲۷) با اعلام کتبی به دبیر کل سازمان ملل متحد، از عضویت در اساسنامه کناره‌گیری کند. ولی این کناره‌گیری زودتر از یک سال از تاریخ وصول اعلامیه کناره‌گیری نافذ نخواهد بود و در بررسی موضوعاتی که تا پیش از تاریخ نافذ شدن کناره‌گیری در دیوان تحت بررسی بوده است بی‌تأثیر است.

از ۱۶۰ کشور شرکت‌کننده در کنفرانس دیپلماتیک رم، نمایندگان ۱۲۰ کشور در ۱۷ ژوئیه ۱۹۹۸ (۲۶ تیر ۱۳۷۷) به این اساسنامه رأی موافق داده‌اند. ولی تازمانی که دستکم ۶۰ کشور آن را به تصویب مراجع داخلی خود نرسانده و رسماً الحاق خود را اعلام ننموده باشند این اساسنامه لازم‌الاجرا نخواهد بود. اما در درازمدت، حتی کشوری که به آن ملحق نمی‌شود ناچار است به عنوان یک واقعیت در حقوق بین‌الملل آن را مدنظر داشته باشد و چه بسا که به عنوان رویه یا عرف بین‌المللی، مراعات آن بر این کشور تحمیل گردد. دستگیری ژنرال آگوستو پینوشه، دیکتاتور سابق شیلی، در لندن و لغو مصونیت سیاسی وی، به عنوان

دیوان کیفری بین‌المللی و جمهوری اسلامی ایران

دکتر فرهاد پروین

نماینده ایران در کنفرانس «ممتنع» بوده است. در ادامه، به ارائه چارچوب کلی و ساختار زیربنایی اساسنامه و مقایسه آن با ساختار حقوقی ایران می پردازیم.

سیطره حقوق بین الملل

با توجه به مواد مختلف اساسنامه، که برخی از آنها در ذیل ذکر می گردد، کاملاً واضح است که حقوق بین الملل، الگوی دیوان کیفری و قانون حاکم بر آن است و در مقابل حقوق داخلی کشورها از جایگاه ضعفی برخوردار است. ماده ۲۱ اساسنامه، مقررات مورد عمل دادگاه کیفری بین المللی را به صورت قواعدی بیان می دارد که به شکل طولی اجرا می شوند. در مرتبه اول دیوان تابع اساسنامه ۱۲۸ ماده ای خود است. در مرتبه دوم، در صورت لزوم، معاهدات قابل اجرا و اصول و قواعد حقوق بین الملل مورد عمل خواهند بود که شامل اصول مربوط به حقوق بین الملل مخصصات مسلحانه نیز می گردد. در صورتی که قواعد فوق برای حل و فصل دعوی کفایت نکند اصول کلی حقوقی که دیوان از نظام های حقوقی ملی موجود در دنیا استخراج می نماید سومین جایگاه را از نظر قانون حاکم بر دیوان دار است. به موجب همین ماده، در صورت مناسب بودن، قوانین ملی کشورهایی که بر جرم اعمال صلاحیت می کنند توسط دادگاه اجرا خواهد شد به شرط این که آن اصول مغایر با این اساسنامه و حقوق بین الملل و قواعد و ملاک های شناخته شده بین المللی نباشد. این ماده در بند ۳ خود تأکید دارد که اجرا و تفسیر مقررات پیش بینی شده (در ماده ۲۱) نباید با آنچه که در سطح بین المللی، به عنوان حقوق بشر شناخته شده است در تضاد باشد.

ماده ۲۱، تنها موردی نیست که در آن، دیوان بر لزوم رعایت حقوق بین الملل و توجه خاصی که به آن دارد تأکید می ورزد. رجوع به حقوق بین الملل را در بخش های مختلف اساسنامه، در مورد تعریف جرایم و مصادیق آنها نیز می توان یافت. ماده ۷ اساسنامه، در بیان مصادیق جرایم علیه بشریت، تبعید یا کوچ اجباری اشخاص از منطقه ای که در آن

حضور دارند، در صورتی که بدون مجوزی ملهم از حقوق بین الملل باشد در زمره جرایم محسوب می دارد. همین ماده، در جرم تعقیب و آزار مداوم - به معنی محرومیت عمدی شدید افراد یک گروه یا مجموعه از حقوق اساسی خود - تشخیص حقوق اساسی انسان ها را در صلاحیت حقوق بین المللی قرار می دهد. ماده ۸ اساسنامه، در تبیین جرایم جنگی، نقض فاحش قوانین و عرف های مسلّم حقوق بین الملل و حاکم بر منازعات مسلحانه بین المللی را در زمره این دسته از جرایم ذکر می نماید. ماده ۱۰ نیز صراحتاً مقرر می دارد که هیچ یک از مواد این بخش نباید به نحوی تفسیر شود که قواعد موجود یا در حال تشکیل حقوق بین الملل را که برای مقاصد دیگری، غیر از این اساسنامه، مورد نظر است محدود کند یا به آن لطمه بزند. بنابراین، دیوان نه تنها قواعد حقوق بین الملل و عرف آن را برتر از حقوق داخلی کشورها قرار می دهد، بلکه خود را ملزم می داند که در تفسیر، مراعات قواعد فعلی و نیز در حال تشکیل حقوق بین الملل را بنماید.

بنابراین کشوری که به این اساسنامه می پیوندد می پذیرد که حقوق بین الملل را در جایگاه مهمترین منبع حقوقی خود قرار دهد و نقض این حقوق، اگر منجر به وقوع یکی از جرایم مذکور در ماده ۵ اساسنامه دیوان کیفری بشود موجب مسئولیت کیفری است. در مورد جایگاه حقوق بین الملل در حقوق ایران دو نکته مهم زیر قابل توجه است:

۱- در هیچ یک از قوانین ایران چه در قانون اساسی و چه در قوانین عادی، به برتری حقوق بین الملل بر حقوق داخلی اشاره ای نشده است. طبق ماده ۹ قانون مدنی: «مقررات عهودی که بر طبق قانون اساسی بین دولت ایران و سایر دول منعقد شده باشد در حکم قانون است.»

با توجه به اصول ۴ و ۱۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مهمترین منبع حقوق در ایران مذهب اسلام است. اصل چهارم قانون اساسی مقرر می دارد که:

«کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و

○ هدف اصلی تأسیس دادگاه جزایی بین المللی، ملزم نمودن همه کشورها به مراعات معیارهای حقوق بشر در روابط درون مرزی و برون مرزی است

مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است.»

بدیهی است که این مقایسه به این معنی نیست که بین مقررات اسلام و حقوق بین الملل تضاد کامل وجود دارد و این دو مانعة الجمع هستند. شک نیست که بسیاری از احکام این دو مشترک است و حقوق اسلامی، به لحاظ جامع‌نگری خود، در بسیاری از موارد بیشتر از حقوق بین الملل به مراعات حقوق انسان‌ها عنایت داشته است. اما آیا می‌توان گفت که اسلام و حقوق بین الملل در هیچ موردی با هم تفاوت یا تضادی ندارند و از هر لحاظ بر هم قابل انطباق هستند؟ به نظر می‌رسد که پاسخ این پرسش منفی باشد و بین مقررات اسلام و قواعد حقوق بین الملل جدای از مشترکات موجود تفاوت‌هایی، کم یا زیاد، وجود داشته باشد.^۴ بررسی این تفاوت‌ها و اینکه آیا این اختلافات به مرحله تضاد هم می‌رسد یا خیر و نیز اینکه تا چه حد می‌توان آنها را بر طرف کرد مستلزم یک بررسی عمیق و همه‌جانبه با شرکت همه صاحب نظران و علاقمندان، بویژه فقهاست که به نظر می‌رسد تا به حال انجام نشده باشد. تا به حال، غالب تحقیقات منحصر به بررسی موضوعات در حقوق بین الملل یا در حقوق اسلام به طور انحصاری و نه به صورت یک بحث تطبیقی بوده است. بنابراین پیش از الحاق به اساسنامه‌ای که مهمترین منبع حقوق در آن، قواعد حقوق بین الملل است باید به این کار تطبیقی پرداخت و وجوه اشتراک و نقاط افتراق را دقیقاً مشخص نمود. در ماده واحده قانون اجازه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون حقوق کودک (مصوب اول اسفند ۱۳۷۲) اجازه الحاق با این قید داده شده است که «... مشروط بر آن که اگر مفاد آن در هر مورد و هر زمان در تعارض با قوانین داخلی و موازین اسلامی باشد یا قرار گیرد، از طرف دولت جمهوری اسلامی ایران لازم‌الرعايه نباشد.»^۵ با توجه به اینکه ماده ۱۲۰ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، الحاق با «حق شرط» وارد کرده است کشوری که به اساسنامه می‌پیوندد بر تری بی‌قید و شرط حقوق بین الملل را، که جزء لاینفک آن است، می‌پذیرد.

۲- کشوری که به اساسنامه دیوان کیفری می‌پیوندد، گذشته از معاهداتی که قبلاً امضاء نموده است التزام خود را به اصول کلی حقوقی

بین‌المللی، ملاک‌های شناخته شده بین‌المللی و نیز اصول کلی حقوقی که این دیوان از نظام‌های مختلف حقوقی دنیا استخراج می‌نماید (ماده ۲۱ اساسنامه) اعلام می‌دارد. بنابراین علاوه بر اصول کلی حقوقی موجود در سایر سیستم‌های حقوقی، آن بخش از حقوق بین الملل که کشور هنوز به کنوانسیون مربوط به آن نیویورک پیوسته است برای کشور پذیرنده اساسنامه لازم‌الرعايه خواهد بود در حالی که ایران هنوز به برخی از این معاهدات نیویورک پیوسته است. برای نمونه، کنوانسیون رفع هر نوع تبعیض علیه زنان، مصوب ۱۸ دسامبر ۱۹۷۹ مجمع عمومی سازمان ملل، یا کنوانسیون مربوط به وضعیت افراد بی‌تابعیت، در قوه مقننه مورد بررسی قرار نگرفته است.



برتری حقوق جهانی بشر

هدف اصلی تأسیس دادگاه جزایی بین‌المللی، ملزم نمودن همه کشورهای به مراعات معیارهای حقوق بشر در روابط درون مرزی و برون مرزی است. تأکید بر رعایت حقوق بشر، در بخش‌های مختلف اساسنامه، کاملاً بارز است. در ماده ۲۱ اساسنامه، تحت عنوان حقوق قابل اجرا، در بند ۳، صراحتاً قید شده است که «تفسیر و کاربرد حقوق مربوط به این ماده نباید متناقض با حقوق بشر شناخته شده بین‌المللی باشد و باید بدون هیچ‌گونه تبعیضی در زمینه‌هایی چون جنسیت، سن، نژاد، رنگ، زبان، مذهب، اعتقاد، عقیده سیاسی یا غیر سیاسی، خاستگاه قومی یا اجتماعی، ثروت، ولادت و سایر وضعیت‌ها صورت گیرد.» در این اساسنامه توجه خاصی به حقوق زنان و کودکان شده است. در این تأکید، گذشته از ملاحظات بشری، قطعاً اتفاقات ناگوار مقارن با تدوین اساسنامه، مانند فجایع و وقایع رواندا و یوگسلاوی سابق، مؤثر بوده‌اند. طبق بند ۹ ماده ۴۲ اساسنامه «دادستان، مشاورانی را منصوب خواهد کرد که دارای تخصص‌های ویژه حقوقی، از جمله در مسائل مربوط به تجاوز جنسی، تجاوزات مربوط به جنسیت و تجاوز به حقوق کودکان باشند.» طبق ماده ۳۶ اساسنامه، در بین قضات دیوان، باید قضات

○ دستگیری ژنرال
اگوستو پینوشه، دیکتاتور
سابق شیلی، در لندن و لغو
مصونیت سیاسی وی
به‌عنوان رئیس سابق
کشور، نشانگر تسلط
روزافزون حقوق بشر بر
سایر بخش‌های حقوق
بین‌الملل است.

متخصص، در مورد مسائل مربوط به تجاوز به حقوق کودکان و زنان، وجود داشته باشد.

با توجه به تأییداتی که در این اساسنامه بر حقوق بین الملل شده است، کاملاً واضح است که دیوان برداشت‌های خاص از حقوق بشر را نمی‌پذیرد و آنچه را که به عنوان حقوق بشر می‌شناسد همان اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین المللی مربوط به حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نیز میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و سایر کنوانسیون‌های مربوط به حقوق بشر است که در حال حاضر شمار آنها به ۲۵ می‌رسد.^۶ میزان تطابق یا عدم تطابق کنوانسیون‌های یادشده با حقوق بشر از نظر اسلام و نیز با حقوق موضوعه ایران، هنوز مورد بررسی جامع و دقیقی که در آن همه صاحب نظران، شرکت داشته باشند قرار نگرفته است. الحاق به اساسنامه دیوان کیفری، پیش از روشن شدن ابهامات فوق، این خطر را در پی دارد که برخی از مقررات لازم الاجرای فعلی، مانند تفاوت در میزان مجازات یا خسارت بر حسب جنسیت، عدم تطابق سن مسئولیت کیفری در ایران و در اساسنامه دیوان که ۱۸ سال تمام است، نحوه اجرای برخی از مجازات‌ها، محدود بودن ادیان رسمی به ادیان چهارگانه اسلام، مسیحیت، یهود و زرتشت در قانون اساسی و حتی بخشی از مقررات قانون مدنی، همگی در شبهه تعارض با اساسنامه قرار گیرد.

نظارت بر قوه قضاییه کشورها

در مقدمه اساسنامه دیوان تصریح شده که «دیوان کیفری بین المللی که به موجب این اساسنامه تأسیس می‌شود مکمل محاکم کیفری ملی خواهد بود.» بنابراین، دیوان جانشین محاکم داخلی نیست و اگر دادگاه‌های یک کشور، خود به دستگیری و مجازات مجرمین بپردازند شخص دوباره در این دادگاه بین المللی محاکمه نخواهد شد. ماده ۲۰ اساسنامه نیز در بند ۳ چنین مقرر نموده است: «کسی که برای ارتکاب عملی که به موجب مواد ۶، ۷ و ۸ جرم شناخته شده توسط دادگاه دیگری محاکمه شده باشد توسط دیوان برای همان رفتار محاکمه نخواهد شد.» این ماده با ذکر اصطلاح حقوق لاتین *ne bis in idem* (هیچ فردی نباید دوبار در مورد واحدی به محاکمه کشیده شود) به بیان قواعدی می‌پردازد که به موجب آن محکومیت یا برائت در یک دادگاه داخلی یا بین المللی، مانع از محاکمه دوباره فرد است. اما همین ماده در ادامه بند ۳ خود می‌افزاید:

«مگر آن که دادرسی در دادگاه دیگر برای حمایت از فرد مورد نظر در برابر مسئولیت کیفری جرایم مشمول صلاحیت دیوان باشد یا اینکه یک دادرسی مستقل و بیطرفانه، مطابق ملاک‌های شناخته شده حقوق بین الملل انجام نشده باشد و نیز در صورتی که با توجه به شرایط و اوضاع و احوال، مغایر با قصد اجرای عدالت نسبت به شخص مورد نظر بوده باشد.»

بنابراین، در صورتی که محاکم داخلی، خود به بررسی اتهام و محاکمه و صدور حکم، اعم از برائت یا محکومیت، بپردازند ولی دادگاه جزایی بین المللی تشخیص دهد که جرایم محاکمه داخلی با معیارهای قضایی بین المللی منطبق نبوده یا اینکه هدف از محاکمه متهم، اجرای عدالت نبوده است

متخصص، در مورد مسائل مربوط به تجاوز به حقوق کودکان و زنان، وجود داشته باشد.

با توجه به تأییداتی که در این اساسنامه بر حقوق بین الملل شده است، کاملاً واضح است که دیوان برداشت‌های خاص از حقوق بشر را نمی‌پذیرد و آنچه را که به عنوان حقوق بشر می‌شناسد همان اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین المللی مربوط به حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نیز میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و سایر کنوانسیون‌های مربوط به حقوق بشر است که در حال حاضر شمار آنها به ۲۵ می‌رسد.^۶ میزان تطابق یا عدم تطابق کنوانسیون‌های یادشده با حقوق بشر از نظر اسلام و نیز با حقوق موضوعه ایران، هنوز مورد بررسی جامع و دقیقی که در آن همه صاحب نظران، شرکت داشته باشند قرار نگرفته است. الحاق به اساسنامه دیوان کیفری، پیش از روشن شدن ابهامات فوق، این خطر را در پی دارد که برخی از مقررات لازم الاجرای فعلی، مانند تفاوت در میزان مجازات یا خسارت بر حسب جنسیت، عدم تطابق سن مسئولیت کیفری در ایران و در اساسنامه دیوان که ۱۸ سال تمام است، نحوه اجرای برخی از مجازات‌ها، محدود بودن ادیان رسمی به ادیان چهارگانه اسلام، مسیحیت، یهود و زرتشت در قانون اساسی و حتی بخشی از مقررات قانون مدنی، همگی در شبهه تعارض با اساسنامه قرار گیرد.

در صورتی که ۶۰ کشور، اساسنامه دادگاه جزایی بین المللی را به تصویب مراجع داخلی خود برسانند و رسماً الحاق خود را اعلام نمایند، دادگاه تأسیس و مقررات آن لازم الاجرا خواهد شد و این امر همه کشورها، حتی آنهایی را که به این اساسنامه نپیوسته‌اند تحت تأثیر قرار خواهد داد. بنابراین مصلحت آن است که پیش از لازم الاجرا شدن اساسنامه و تأسیس دادگاه مربوط به آن، و پیش از اینکه دچار فشارهای مستقیم و غیرمستقیم بین المللی گردیم، اکنون که فرصت کافی وجود دارد، بررسی همه جانبه‌ای در مورد تبعات الحاق یا عدم الحاق و نیز بررسی تطبیقی حقوق بین الملل با حقوق اسلام و نیز حقوق ایران به عمل آید تا آمادگی مواجه شدن با تحولات حقوق بین الملل در سده بیست و یکم را داشته باشیم. اساسنامه دیوان در ماده ۲۷ خود هرگونه مصونیت دیپلماتیک به موجب

○ دیوان کیفری

بین المللی به موجب اساسنامه خود نه تنها قواعد حقوق بین الملل و عرف آن را برتر از حقوق داخلی کشورها قرار می‌دهد بلکه خود را ملزم می‌داند که در تفسیر، مراعات قواعد فعلی و نیز قواعد در حال تشکیل حقوق بین الملل را بنماید.

موضوع در مجمع دولت‌های عضو مطرح می‌شود و اگر موضوع مربوط به موردی باشد که از طرف شورای امنیت برای رسیدگی به دیوان ارجاع شده است در شورای امنیت مطرح می‌گردد.

آیین دادرسی بین‌المللی

همان‌گونه که در بالا ملاحظه شد معیار دیوان، طبق ماده ۱۷ اساسنامه، در تشخیص این که فرد محاکمه شده در يك دادگاه ملی، برخوردار از يك دادرسی مستقل و بی‌طرفانه و به قصد اجرای عدالت بوده است یا خیر «اصول آیین دادرسی شناخته شده در حقوق بین‌الملل» است. ولی در اساسنامه مشخص نشده است که منظور از این اصول، چه قواعدی است که باید مورد مراعات سیستم‌های کیفری ملی باشد تا مطابق با حقوق بین‌الملل باشند.

ممکن است چنین به نظر رسد که آیین دادرسی دیوان بین‌المللی دادگستری می‌تواند در این مورد الگو باشد. اما دیوان کیفری بین‌المللی و دیوان بین‌المللی دادگستری، با یکدیگر، تفاوت‌های بارزی دارند. طبق ماده ۲۴ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری، فقط دولت‌ها می‌توانند به دیوان بین‌المللی دادگستری رجوع کنند و توافق دولت‌های رجوع کننده در ارجاع دعوی به دیوان ضروری است. به عبارت دیگر، دیوان بین‌المللی دادگستری بدون مراجعه دولت‌هایی که با هم اختلاف دارند یا خارج از موارد پیش‌بینی شده در منشور ملل متحد یا در يك عهدنامه، حق رسیدگی به دعوی علیه يك دولت را ندارد. از این گذشته، این دیوان يك دادگاه حقوقی است که در ماده ۴۳ خود به آیین دادرسی دو مرحله‌ای خود، مرکب از مرحله تبادل لوایح و مرحله شفاهی، اشاره دارد. در حالی که دیوان کیفری بین‌المللی ویژه امور کیفری و بر علیه اشخاص حقیقی متهم به ارتکاب جرایم مذکور در اساسنامه اش است و رضایت یا عدم رضایت اشخاص مورد اتهام تأثیری در صلاحیت دیوان ندارد. البته برخی از مقررات دادرسی دیوان بین‌المللی دادگستری در يك دادرسی کیفری نیز قابل استفاده است مانند ماده ۴۲ در استفاده از

بلکه هدف این بوده که متهم از محاکمه در يك دادگاه بین‌المللی مصون نگاه داشته شود، در این صورت دیوان حق محاکمه دوباره متهم را دارد و دولتی که به اساسنامه ملحق شده است نمی‌تواند به دلیل این که خود عدالت را اجرا نموده و مجازات را نیز اجرا کرده است از تحویل فرد مورد درخواست دیوان، خودداری نماید. زیرا این دادگاه بین‌المللی، خود صالح برای تشخیص صلاحیت خود است و اگر به نظرش سیستم قضایی داخلی يك کشور منطبق با معیارهای بین‌المللی نباشد تصمیمش قاطع است. به عبارت دیگر، نظام قضایی کشور باید با معیارهای شناخته شده حقوق بین‌الملل، طبق تشخیص دادگاه جزای بین‌الملل، منطبق باشد و گرنه، دیوان، شخصی را که در يك دادگاه ملی محاکمه شده، دوباره به محاکمه فرا خواهد خواند. در ماده ۱۷ اساسنامه نیز ذکر شده است که اگر دولتی حقیقتاً مایل یا قادر به اجرای تحقیق یا تعقیب نباشد یا اینکه، به نظر دیوان، طبق «اصول دادرسی شناخته شده در حقوق بین‌الملل»، هدف از رسیدگی ملی، مصون نگاه داشتن فرد از اعمال صلاحیت دیوان بوده است یا اینکه تأخیری غیر قابل توجیه در رسیدگی وجود دارد که مبین عدم قصد اجرای عدالت است یا اینکه رسیدگی مرجع ملی مستقل و بی‌طرف نیست و نیز در صورت فروپاشی کامل یا قابل ملاحظه نظام قضایی ملی، دیوان صلاحیت رسیدگی خواهد داشت.

از نظر ارزش اثباتی دلایل نیز، دیوان توجیهی به حقوق داخلی کشورها ندارد. طبق بند ۸ ماده ۶ اساسنامه «دیوان در هنگام اتخاذ تصمیم راجع به ارتباط یا پذیرش دلایل تحصیل شده به وسیله کشورها، بر اساس حقوق ملی آنها رأی نخواهد داد.»

طبق ماده ۵۹ اساسنامه، هر کشور عضو که درخواست بازداشت موقت یا بازداشت و تحویل شخصی را دریافت می‌نماید باید فوراً اقداماتی را برای بازداشت فرد مورد نظر، طبق مقررات ملی خود و نیز مقررات فصل نهم اساسنامه انجام دهد. کشور بازداشت کننده، حق رسیدگی به دلایل بازداشت و کافی بودن آنها یا رسیدگی به قانونی بودن دلایل بازداشت را ندارد. طبق بند ۷ ماده ۸۷، در صورت عدم همکاری دولت عضو با دیوان،

○ با توجه به اینکه ماده ۱۲۰ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، الحاق با «حق شرط» وارد کرده است کشوری که به اساسنامه می‌پیوندد برتری بی‌قید و شرط حقوق بین‌الملل را که جزء لاینفک آن است می‌پذیرد.

مشاورین حقوقی یا وکلای دادگستری در دعوی و برخوردار از آنها از مزایا و مصونیت‌هایی که برای انجام از ادانۀ وظایف‌شان لازم است و نیز علنی بودن جلسه رسیدگی (ماده ۴۶)، استقلال قضات و دارا بودن سجایای اخلاقی و تخصص در علم حقوق (ماده ۲).

با توجه به این که طبق ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری، اصول کلی حقوقی مورد قبول ملل متمدن جزو منابع مورد مراجعۀ دیوان برای حل و فصل دعوی است، می‌توان گفت که منظور واضعین اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی از اصول آیین دادرسی شناخته شده در حقوق بین‌الملل، اصول آئین دادرسی کیفری است که در غالب کشورهای دنیا پذیرفته شده و مورد عمل است مانند بیطرفی و استقلال قاضی، حق دفاع متهم، علنی بودن جلسه رسیدگی، حق برخورداری از وکیل و معاضدت قضایی، متوقف نشدن تحقیقات به سبب معلوم نبودن مرتکب، حق اعتراض به رأی دادگاه و

اصول کلی حقوقی مذکور در ماده ۳۸ اساسنامه دیوان اختصاص به حقوق داخلی کشورها ندارد بلکه شامل اصول کلی حقوقی بین‌المللی مورد قبول ملل متمدن نیز می‌گردد. هر چند که در حال حاضر، قبل از تأسیس دیوان، می‌توان گفت که اصول دادرسی کیفری پذیرفته شده توسط غالب کشورها، مصادیق آیین دادرسی کیفری شناخته شده در حقوق بین‌الملل است اما در درازمدت و پس از تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی، آیین دادرسی این دیوان، بهترین الگوی يك دادرسی قابل قبول از نظر معیارهای بین‌المللی خواهد بود و آیین دادرسی محاکم ملی در مقایسه با آن، از نظر تطابق یا عدم تطابق با آئین دادرسی بین‌المللی مورد سنجش قرار خواهد گرفت؛ زیرا، واضعین و نیز کشورهای که اساسنامه دیوان را می‌پذیرند، قطعاً آیین دادرسی آن را مطلوب، عادلانه و مطابق با معیارهای حقوق بین‌الملل می‌دانند.

آیین دادرسی دیوان کیفری بین‌المللی

آشنایی با آیین دادرسی دیوان از دو جهت حائز

اهمیت است. نخست از جهت آشنایی با طرز کار این دادگاه بین‌المللی در شرف تأسیس، و دیگری از جهت ارائه يك الگوی مطلوب آیین دادرسی کیفری.

طبق ماده ۳۶ اساسنامه، دیوان دارای ۱۸ قاضی است که برای ۹ سال انتخاب می‌شوند و غیر قابل انتخاب مجدد هستند. از اتباع هر دولت، به عنوان قاضی، بیش از یک نفر نمی‌تواند عضو دیوان باشد. در ترکیب قضات دیوان، نمایندگی نظام‌های اصلی حقوقی در جهان، توزیع جغرافیایی عادلانه و نسبت عادلانه بین قضات زن و مرد باید رعایت شود (ماده ۳۶). دیوان دارای ۴ رکن است (ماده ۳۴):

الف: هیئت‌رئیس؛

ب: شعبۀ دادگاه مقدماتی، شعبۀ دادگاه بدوی، شعبۀ دادگاه تجدیدنظر؛

ج: دادستانی؛

د: دبیرخانه.

هیئت رئیس که با اکثریت مطلق آراء خود قضات انتخاب می‌شود متشکل است از يك رئیس و معاون اول و معاون دوم. اداره دیوان، جز دادستانی، با هیئت رئیس است.

دادستانی به عنوان ارگان مستقل دیوان، در عملکرد خود دارای استقلال است (ماده ۴۲). دادستانی زیر نظر دادستان کار می‌کند. دادستان و معاونان وی باید از اتباع کشورهای مختلف باشند. دادستان مشاورانی دارد که دارای تخصص‌های مختلف حقوقی اند. دریافت اطلاعات مربوط به جرایم، تحقیق، دفاع از کیفرخواست به عهده دادستانی است. دادستان باید مشخص کند که آیا مسئولیت جزائی طبق اساسنامه تحقق یافته یا خیر (ماده ۵۴).

اجازۀ تحقیقات توسط (دادگاه) شعبۀ مقدماتی صادر می‌شود. وظایف شعبۀ مقدماتی توسط ۳ قاضی از بخش مقدماتی یا يك قاضی از همین بخش انجام می‌شود.^۸

تصمیمی که شعبۀ مقدماتی رأساً اتخاذ می‌نماید از طرف دادستان قابل تجدیدنظر خواهی در شعبۀ استیناف است (ماده ۵۶). رسیدگی به درخواست دادستان در خارج از نوبت به عمل می‌آید. صدور دستور بازداشت با شعبۀ مقدماتی است (ماده ۵۸). البته شعبۀ مقدماتی می‌تواند به جای دستور

○ کشوری که به اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی می‌پیوندد گذشته از معاهداتی که قبلاً امضا نموده است التزام خود را به اصول کلی حقوق بین‌الملل، ملاک‌های شناخته شده بین‌المللی و نیز اصول کلی حقوقی که این دیوان از نظام‌های مختلف حقوقی دنیا استخراج می‌نماید اعلام می‌دارد.

○ ماده ۲۷ اساسنامه
دیوان کیفری بین‌المللی
صریحاً اعلام می‌دارد که
داشتن سمت رسمی
ریاست دولت، عضویت
در دولت یا مجلس، یا
نماینده بودن، به هیچ وجه
شخص را از مسئولیت
کیفری ناشی از ارتکاب
جرایم علیه بشریت مبری
نمی‌کند.

بازداشت، دستور احضار شخص را صادر نماید. پس از سپری شدن مدت زمان متعارفی از زمان تسلیم شخص به دیوان یا حضور داوطلبانه‌اش، شعبه مقدماتی باید جلسه‌ای با حضور دادستان و متهم و وکیل وی به منظور تأیید اتهاماتی که دادستان تقاضای رسیدگی به آن را نموده تشکیل دهد. در صورتی که شعبه مقدماتی تصمیم بگیرد که ادله کافی مبنی بر ارتکاب جرم از جانب متهم وجود دارد شخص را برای محاکمه به (دادگاه) شعبه بدوی می‌فرستد (ماده ۶۱). اگر دادستان تشخیص دهد که دلایل قانع‌کننده‌ای برای رسیدگی نیست، شعبه مقدماتی می‌تواند از دادستان بخواهد که در تصمیم خود تجدیدنظر نماید (ماده ۵۳).

محاکمه باید با حضور متهم و علنی باشد (ماده ۶۳). شعبه بدوی، که متشکل از ۳ قاضی است می‌تواند رسیدگی به بعضی از موضوعات را به شعبه مقدماتی ارجاع نماید. شعبه بدوی می‌تواند برای حفظ اطلاعات حساس و محرمانه‌ای که به عنوان دلیل قرار است ارائه شود یا حفاظت قربانیان و نیز شهود، دستور انجام مراحل از محاکمه را به صورت غیر علنی صادر نماید. اصل بر بی‌گناهی اشخاص، و اثبات مجرمیت بر عهده دادستان است (ماده ۶۶).

طبق ماده ۵۵ اساسنامه، اشخاص نباید مجبور به متهم ساختن خود یا اعتراف به ارتکاب جرم شوند. متهم می‌تواند سکوت کند، بی‌آنکه سکوت به عنوان مجرمیت یا بی‌گناهی مورد توجه قرار گیرد. در صورتی که اجرای عدالت ایجاب نماید که به متهم مساعدت‌های حقوقی شود ولی وی قادر به تأمین هزینه‌های آن نباشد، آن مساعدت‌ها به‌طور رایگان به وی داده می‌شود. بازجویی از متهم در حضور وکیل انجام می‌گیرد، مگر اینکه خود متهم از این حق صرف‌نظر نماید. شخص بازداشت شده حق دارد از دیوان درخواست آزادی موقت خود را، در زمانی که محاکمه جریان دارد بنماید. طبق ماده ۶۷ اساسنامه، متهم باید وقت کافی و امکانات لازم برای دفاع داشته باشد و آزادانه و محرمانه با وکیل مدافعی که خود انتخاب می‌کند ارتباط بگیرد و نیز بدون تأخیر ناموجه محاکمه شود. برای دفاع شخصاً یا از طریق مشاور حقوقی انتخابی خود در محاکمه حضور یابد و اگر از مشاورت حقوقی بهره‌مند نیست حق دارد از مساعدت مشاوره حقوقی که دیوان فراهم می‌آورد و ممکن است رایگان باشد بهره‌مند گردد. متهم

می‌تواند از شهودی که علیه وی معرفی شده‌اند، رأساً یا توسط دیگری سؤال‌الائی بنماید و نیز شهود خود را حاضر و از آنها سؤال کند. متهم می‌تواند به رایگان از مساعدت مترجم کارآمدی برخوردار شود. طبق بند ۸ ماده ۶۹، دیوان در موقع اتخاذ تصمیم درباره ارتباط یا پذیرفتن ادله به دست آمده توسط کشورها، بر اساس حقوق داخلی آنها رأی نخواهد داد. رأی صادره، در صورتی که اتفاق آراء حاصل نشود، متضمن نظرات اقلیت و اکثریت قضات خواهد بود (ماده ۷۴). رأی مزبور یا خلاصه‌ای از آن در جلسه‌ای علنی قرائت خواهد شد. رأی شعبه بدوی با درخواست دادستان یا محکوم علیه قابل تجدیدنظر است (ماده ۸). سایر تصمیمات شعبه بدوی نیز قابل تجدیدنظر خواهی است.

(دادگاه) شعبه تجدیدنظر، کلیه اختیارات شعبه بدوی را دارد. شعبه تجدیدنظر دارای یک رئیس و چهار قاضی است. علاوه بر این، امکان اعاده دادرسی نیز وجود دارد (ماده ۸۴). اگر شخص محکوم علیه فوت شده باشد، همسر، فرزندان، والدین یا شخصی که در موقع فوت محکوم علیه زنده بوده و از متوفی دستور صریح کتبی داشته باشد و نیز دادستان به قائم مقامی محکوم علیه، می‌تواند در صورت وجود جهات مذکور در ماده ۸۴، از شعبه تجدیدنظر درخواست اعاده دادرسی نمایند.

طبق ماده ۸۵ اساسنامه، هر کس که از توقیف و دستگیری غیرقانونی متضرر شده باشد حق مطالبه جبران خسارت را خواهد داشت. در صورتی که به موجب رأی قطعی، شخص محکوم شود و سپس این محکومیت به سبب کشف واقعیاتی که حاکی از قصور در انجام وظایف قضایی است نقض گردد، خسارت‌های این شخص، که مجازات ناشی از چنین حکمی را تحمل کرده است جبران می‌گردد؛ مگر اینکه ثابت شود، عدم ارائه واقعیت مکتوم در آن زمان کلاً یا جزئاً منتسب به خود او (محکوم علیه) است.

طبق ماده ۵۱ اساسنامه، در شرایط اضطراری که موضوع خاصی در آئین نامه پیش‌بینی نشده باشد، تا زمانی که مجمع عمومی دولت‌های عضو در گردهم‌آیی عادی یا فوق‌العاده درباره آن نظر بدهد، قضات دیوان می‌توانند با اکثریت آراء، قواعد موقتی برای اجرا وضع نمایند. با در نظر گرفتن آئین دادرسی و مقررات مربوط به ادله اثبات دعوی، قضات، با اکثریت مطلق آراء، رأساً مقررات مربوط

به کار روزمره شان را تعیین خواهند کرد (ماده ۵۲). دبیرخانه مسئول امور غیر قضائی دیوان از قبیل اداره و خدمات است. رئیس دبیرخانه، رئیس اداری دیوان است که زیر نظر هیئت رئیسه کار می کند. رئیس دبیرخانه بارأی اکثریت مطلق قضات انتخاب می شود. رئیس دبیرخانه، در دبیرخانه، بخشی را برای کمک به قربانیان و شهود تأسیس خواهد کرد. بنابراین الگویی که دیوان کیفری بین المللی از طرز کار و آئین دادرسی خود ارائه می دهد و می توان پیش بینی نمود که کارایی و صحت سیستم های دادرسی کیفری ملی را با ضوابط آن خواهد سنجید به طور خلاصه بر جدا بودن مرحله تحقیق از مرحله دادرسی استوار است. تحقیق زیر نظر دادستان انجام می شود و در عین حال، این تحقیقات تحت نظارت قضایی یک دادگاه مقدماتی است که می تواند با نظر قضایی دادستان موافقت یا مخالفت نماید. و کیل متهم در مرحله تحقیقات می تواند حضور داشته باشد و از دلایل آگاه گردد. دادگاه بدوی از دادگاه مقدماتی جداست. سیستم تعدد قضات در دادگاه های مقدماتی، بدوی و تجدیدنظر حاکم است. نحوه کار دیوان قاضی مدارانه است. قضات خود هیئت رئیسه خود را انتخاب می کنند و خود آئین کار روزانه شان را تدوین می نمایند. بر خورداری متهم از وکیل یا مشاور حقوقی در مراحل تحقیق و نیز دادرسی، و در صورت لزوم به صورت رایگان، جزو حقوق متهم است. محاکمه با حضور متهم و به صورت علنی است. اشخاص زبان دیده از اشتباهات قضایی، از حق جبران خسارت عادلانه برخوردار خواهند بود.

نتیجه

پیش بینی تحولات حقوقی در سده بیست و یکم و فراهم نمودن زمینه های آمادگی کشور در ابعاد نظری و عملی، مسئولیتی است که بر دوش همه علاقمندان و مسئولان، به ویژه مقامات محترم قوه قضائیه قرار دارد. از جمله این تحولات، متولد شدن دادگاه جزائی بین المللی است که اتباع کشورها را، در هر مقامی که باشند، به پیروی از مقررات خود فرا می خواند. درست است که پیوستن به معاهدات بین المللی، و جهت کشور را از جهات مختلف در

سطح جهانی بالا می برد و روابط بین المللی را ساده تر می کند، اما اگر این پیوستن، بدون فراهم آمدن زمینه های الحاق، انجام شود و امکان انجام بخشی از تعهدات ناشی از الحاق به یک کنوانسیون فراهم نباشد نتایج الحاق بسیار ناگوارتر از عدم الحاق است. زیرا عدم الحاق، حداکثر شماتت و انتقاد برخی از کشورها را در پی دارد. اما در صورت پیوستن به یک معاهده بین المللی و عدم انجام تعهدات ناشی از پیوستن، کشور با ضمانت اجرای موجود در حقوق بین الملل مواجه می شود که از درجات ضعیف شروع می گردد و می تواند به محاصره اقتصادی یا مداخله مسلحانه منجر شود. در مورد دیوان کیفری بین المللی، قبل از تصمیم گیری درباره آن، سه موضوع مهم باید مورد بحث و بررسی دقیق قرار گیرد تا امکان پذیرش یا عدم پذیرش مفاد اساسنامه ارائه شده در کنفرانس دیپلماتیک رم، در ۱۹۹۸، فراهم شود.

۱- جایگاه حقوق بین الملل در حقوق ایران؛
۲- حقوق بشر و حقوق بشر اسلامی و حقوق ایران؛
۳- سیستم دادرسی کیفری ایران از جنبه بین المللی؛

یادداشتها

1. United Nations Diplomatic Conference of Plenipotentiaries on the Establishment of an International Criminal Court, UNITED NATIONS, Rome, Italy, 17 July 1998.
۲. اطلاعات، ۵ آذر ۱۳۷۷.
3. Le Monde Diplomatique, 12 December 1998, p.12.
۴. فرهاد پروین، «حقوق بشر و حقوق بشر اسلامی» اطلاعات، ۱۰/۲۴/۱۳۷۷، ص ۱۱.
۵. روزنامه رسمی، شماره ۱۴۲۹۵، ۱۶/۱/۱۳۷۳.
۶. حسین مهرپور، نظام بین المللی حقوق بشر (تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۷)، ص ۴۰۹.
۷. هوشنگ ناصرزاده، اعلامیه های حقوق بشر (تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۲)، ص ۳۴۹.
۸. اما دستورها یا تصمیماتی که در شعبه مقدماتی در اجرای مواد ۱۵، ۱۸، ۱۹، بند ۲ ماده ۵۴ و بند ۷ ماده ۶۱ و ماده ۷۲ صادر یا اتخاذ می شود باید بارأی اکثریت قضات آن باشد.

○ در صورتی که ۶۰

کشور، اساسنامه دادگاه کیفری بین المللی را به تصویب مراجع داخلی خود برسانند و رسماً الحاق خود را اعلام نمایند دادگاه تأسیس و مقررات آن لازم الاجرا خواهد شد و این امر همه کشورها، حتی آنهایی را که به این اساسنامه پیوسته اند تحت تأثیر قرار خواهد داد.